**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**جلسه 003– 29 /06/ 1400 حق یوم الحصاد /وجود حق مالی دیگر به جز زکات /زکات**

**خلاصه مباحث گذشته و جلسه امروز:**

بحث درباره وجوب یا استحباب حق یوم الحصاد بود. در جلسه گذشته آیه شریفه و روایات مفسّر آن خوانده شد. در این جلسه پس از نقل عبارات فقها در این زمینه، حکم حق یوم الحصاد مورد بررسی قرار می گیرد.

## اقوال فقها درباره حق یوم الحصاد

بحث درباره حق یوم الحصاد بود. علامه حلی در مختلف می نویسد:

قال الشيخ في الخلاف: تجب في المال حق سوى الزكاة المفروضة، و هو ما يخرج يوم الحصاد من الضغث بعد الضغث، و الحفنة بعد الحفنة يوم الجذاذ، و المشهور الاستحباب اختاره ابن أبي عقيل، و أبو الصلاح، و هو الأقرب.[[1]](#footnote-1)

در معتبر اینگونه آمده است:

و ما يخرج عند الحصاد و الصرام و هو الضغث و الكف من الطعام، مستحب و ليس من الزكاة و قال في الخلاف يجب و ليس بوجه.[[2]](#footnote-2)

در جایی دیگر از معتبر می نویسد:

و هل يجب فيها حق سوى الزكاة؟ قال الشيخ (ره) في الخلاف: نعم و هو ما يخرج يوم الحصاد و الجذاذ من الضغث بعد الضغث و الحفنة بعد الحفنة، و به قال الشافعي لقوله تعالى وَ آتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصادِهِ، و ليس المراد الزكاة لأنها لا تجب إتيانها إلا بعد التصفية و التذرية، فيكون ما وجب عليه عند الحصاد غيرها. تا اینکه می نویسد: و تردد علم الهدى رضي اللّه عنه في الوجوب و الوجه الاستحباب.[[3]](#footnote-3)

عبارت ابن ابی عقیل در اختیار ما نیست اما مرحوم علامه از ایشان نقل کرده و باید پذیرفت که ایشان قائل به استحباب هستند. ولی اینکه مشهور حق یوم الحصاد را مستحب می دانند، واضح نیست.

ظاهر عبارت مقنع ص: 175، فقیه، ج 2، ص: 46 و هدایه، ص: 178 و 179، وجوب حق یوم الحصاد است و شاید ظاهر عبارت مقنعه شیخ مفید[[4]](#footnote-4) نیز وجوب باشد. چرا که روایات یوم الحصاد را نقل کرده است. البته ایشان در باب الزیادات زکات روایات را نقل کرده که موجب تردید است.

### قائلین به استحباب

این فقیهان صریحا حق یوم الحصاد را مستحب دانستند:

1. سلار در مراسم، ص: 128: أما إعطاء الحفنة و الحفنتين عند القسمة فندب.
2. از ابو الصلاح استحباب نقل شده اما عبارت کافی در اختیار بنده نبود.[[5]](#footnote-5)
3. الجامع للشرایع، ص: 137: و يستحب صلة آل الرسول (صلى الله عليه و آله)، و قرض المحتاج، ... و التصدق يوم البذر منه، و يوم الحصاد و الصرام بالضغث و العذق، و الحفنة و مثل ذلك و ذلك قوله تعالى (وَ آتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصادِهِ وَ لا تُسْرِفُوا). و الإسراف ان يعطى منه بيديه جميعا و يكره الحصاد و الصرام و البذر و التضحية ليلا، لأنه لا يحضره سائل، و أقلهم ثلاثة و لافتتاح السفر و السعي للحاجة بالصدقة. ایشان نهی از حصاد و صرام باللیل را نهی کراهی گرفته است. اقلهم ثلاثه نیز ناظر به روایات است.
4. تذکره الفقهاء، ج 5، ص: 11
5. غنیه النزوع، ص: 116 ایشان نقل می کند که برخی یوم حصاده را زکات دانستند اما ایشان می فرماید: و ما أنكرت أن يكون المراد به الشي‌ء اليسير الذي يعطاه الفقير المجتاز، من الزرع وقت الحصاد على جهة التبرع؟
6. متشابه القرآن ابن شهر آشوب، ج 2، ص: 174

### قول به وجوب یا تردید

از طرف مقابل، شیخ طوسی ادعای اجماع بر وجوب کرده است و عبارت انتصار[[6]](#footnote-6) اگر متمایل به وجوب نباشد، لا اقل مردّد است هر چند به نظر می رسد از عبارت ایشان تمایل به وجوب استفاده می شود. عبارت انتصار در فقه القرآن راوندی، ج1، ص: 216 نیز وارد شده است. با این اوصاف، مشهور بودن استحباب حق یوم الحصاد که علامه نسبت داده، روشن نیست. لا اقل شهرت قدمایی استحباب حق یوم الحصاد ثابت نیست به خصوص با ادعای اجماعی که شیخ طوسی بر وجوب نقل کرده است.

#### کلام سید مرتضی در انتصار

سید مرتضی در مسأله 100 کتاب الزکاه می نویسد:

و مما ظن انفراد الإمامية به: القول بأن الزكاة لا تجب إلا في تسعة أصناف:الدنانير و الدراهم و الحنطة و الشعير و التمر و الزبيب و الإبل و البقر و الغنم، و لا زكاة فيما عدا ذلك. و باقي الفقهاء يخالفون في ذلك

ایشان در ادامه اختلاف اقوال را نقل می کند و پس از آن نسبت به کسانی که به صورت مطلق در تمام زروع قائل به زکات هستند، می نویسد:

فإن تعلقوا بقوله تعالى «وَ آتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصادِهِ» و أنه عام في جميع الزروع و غيرها مما ذكر في الآية.فالجواب عنه أنا لا نسلم أن قوله تعالى «وَ آتُوا حَقَّهُ» يتناول العشر أو‌ ‌نصف العشر المأخوذ على سبيل الزكاة، فمن ادعى تناوله لذلك فعليه الدلالة.و عند أصحابنا أن ذلك يتناول ما يعطى المسكين و الفقير و المجتاز

در نسخه الف المجتازین نقل شده که علی القاعده باید بدون واو باشد. پس المسکین و الفقیر المجتازین در نسخه الف وارد شده که به نظر می رسد همین نسخه بهتر باشد. ایشان در ادامه می نویسد:

ما يعطى المسكين و الفقير المجتازین وقت الحصاد من الحفنة و الضغث، فقد رووا ذلك عن أئمتهم (عليهم السلام).فمنه ما روي عن أبي جعفر (عليه السلام) في قوله تعالى «وَ آتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصادِهِ»، قال: ليس ذلك الزكاة ألا ترى أنه تعالى قال «وَ لا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ».و هذه نكتة منه (عليه السلام) مليحة، لأن النهي عن السرف لا يكون إلا فيما ليس بمقدر، و الزكاة مقدرة.

ایشان در ادامه روایاتی را ذکر می کند و توضیح می دهد که مراد از آنها همین حق است. سپس می نویسد:

فإن قيل: قد سماه الله تعالى حقا، و ذلك لا يليق إلا بالواجب.قلنا: قد يطلق اسم الحق على الواجب و المندوب إليه، و قد روى جابر أن رجلا قال: يا رسول الله هل علي حق في إبلي سوى الزكاة؟ فقال (عليه السلام): نعم، تحمل عليها و تسقي من لبنها.

فإن قالوا: ظاهر قوله تعالى «وَ آتُوا حَقَّهُ» يقتضي الوجوب، و ما ذكرتموه ليس بواجب.

ایشان این اشکال را مطرح کرده: هر چند گاهی از اوقات، واجب بر مستحب نیز اطلاق می شود اما این مجاز است و باید تا می توان لفظ را حمل بر وجوب کرد و در پاسخ می فرماید:

قلنا: إذا سلمنا أن ظاهر الأمر في الشرع يقتضي الوجوب كان لنا طريقان من الكلام: أحدهما: أن نقول: إن ترك ظاهر من الكلام ليسلم ظاهر آخر له كترك ذلك الظاهر ليسلم هذا، و أنتم إذا حملتم الأمر على الوجوب هاهنا تركتم تعلق العطاء بوقت الحصاد، و نحن إذا حملنا الأمر في الآية على الندب سلم لنا ظاهر تعلق العطاء بوقت الحصاد، و ليس أحد الأمرين إلا كصاحبه، و أنتم المستدلون بالآية فخرجت من أن تكون دليلا لكم. و الطريق الآخر: أنا لو قلنا بوجوب هذا العطاء في وقت الحصاد و إن لم يكن مقدرا بل موكولا إلى اختيار المعطي لم نقل (لم یکن) بعيدا من الصواب.

از لحن عبارت به نظر می رسد ایشان قول دوم (وجوب) را اختیار کرده است البته نه اختیار قطعی بلکه به نحوی که ایشان تمایل به قول دوم دارد.

در تحریر، ج 1، ص: 346 تنها دو قول را نقل کرده و هیچ یک را اختیار نمی کند: و في وجوب إخراج الضغث و الكف عند الحصاد و الجذاذ قولان

در تلخیص المرام، ص: 43 نیز تردید وجود دارد: و قيل: تجب وقت الحصاد و الجذاذ الحفنة و الحفنتان و الضغث و الضغثان قیل می تواند دلیل بر تضعیف بوده و می تواند دلیل بر تردید باشد.

#### کلام شیخ طوسی در الخلاف

در ادامه عبارت شیخ طوسی در خلاف[[7]](#footnote-7) را می خوانیم و توضیح می دهیم. ایشان می نویسد:

يجب في المال حق سوى الزكاة المفروضة، و هو ما يخرج يوم الحصاد من الضغث بعد الضغث، و الحفنة بعد الحفنة يوم الجذاذ، و به قال الشافعي و النخعي و مجاهد. و خالف جميع الفقهاء في ذلک. دليلنا: إجماع الفرقة و أخبارهم.

ایشان ادعای اجماع بر وجوب حق یوم الحصاد کرده است. این اجماع فرقه می تواند به صورت مستقیم باشد و می تواند به جهت ورود روایات دالّ بر وجوب باشد و روایات دالّ بر وجوب را کاشف از اجماع فرقه بداند. شاید مطلب دوم روشن تر باشد. بنده به دنبال اثبات اجماع فرقه با کلام شیخ طوسی نیستم زیرا ایشان اجماع علی القاعده را برای اجماع بر مصادیق کافی می داند. در مورد بحث نیز امکان دارد ایشان اجماع بر قاعده عمل بر اخبار معتبر دالّ بر وجوب را دلیل بر اجماع بر وجوب بداند. به همین دلیل نمی توان به اجماعات شیخ طوسی عمل کرد. هر چند احتمال دارد اجماع نیز وجود داشته باشد یا حداقل شهرتی در مسأله بوده که ایشان تخیّل اجماع کرده است. به همین دلیل با وجود دعوای اجماع در کلام مرحوم شیخ، مشکل است شهرت بر استحباب را ثابت کرد.

ایشان در ادامه می نویسد:

و أيضا قوله تعالى «وَ آتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصادِهِ» فأوجب إخراج حقه يوم الحصاد، و الأمر يقتضي الوجوب،

ایشان امر در «آتوا حقّه» را دالّ بر وجوب دانسته است. سپس دفع دخل مقدّر کرده زیرا بسیاری از عامه حق در این آیه را به معنای زکات گرفتند و ایشان در مقام پاسخ این مطلب هستند:

و الزكاة لا تجب إلا بعد التصفية و التذرية، و بلوغه المبلغ الذي يجب فيه الزكاة.

به این معنا که زکات تنها بعد از تصفیه و تذریه واجب است. ممکن است «بلوغه المبلغ ...» مکمّل استدلال قبلی باشد و امکان دارد استدلال جدیدی باشد. سید مرتضی در عبارت انتصار، ص: 208 بیان می کند: همین میزان که احتمال دارد مراد از «حقه» زکات نباشد، مانع استدلال به آیه است. عبارت ایشان به این صورت است:

و يكفي احتمال اللفظ له.و إن كان يقوي هذا التأويل أن الآية تقتضي أن يكون العطاء في وقت الحصاد، و العشر المفروض في الزكاة لا يكون في تلك الحال، لأن العشر مكيل و لا يؤخذ إلا من مكيل، و في وقت الحصاد لا يكون مكيلا و لا يمكن كيله، و إنما يكال بعد جفافه و تذريته و تصفيته، فتعليق العطاء بتلك الحال لا يليق إلا بما ذكرناه.

ممکن است استدلال شیخ طوسی به این صورت باشد که شرط زکات، رسیدن به مقدار نصاب است و مقدار نصاب بعد از تصفیه و تذریه و جداسازی گندم از کاه محاسبه می شود و در صورتی که گندم باقیمانده به مقدار نصاب رسید، زکات واجب است. پس «آتوا حقّه یوم حصاده» مربوط به زکات نیست.

استدلال می تواند به این صورت باشد که «آتوا حقه یوم حصاده» مطلق است و شرط نصاب در آن ذکر نشده است. در حالی که در زکات نصاب معتبر است.

شاید احتمال اول قوی تر باشد زیرا بحث نصاب در هیچ یک از آیات زکات نیامده است و بعید است مرحوم شیخ به عدم ذکر نصاب تمسک کرده باشند. پس به احتمال زیاد استدلال مرحوم شیخ این است که زکات بعد از تصفیه و تذریه به شرط بلوغ به حد نصاب واجب می شود.

البته ممکن است گفته شود: زکات از زمان بدوّ صلاح واجب می شود به شرط آنکه بعد از تصفیه و تذریه به مقدار نصاب باشد. از روایات نیز استفاده می شود که زمان وجوب زکات، زمان بدوّ صلاح است. اگر زمان وجوب زکات را بدوّ صلاح نیز بدانیم، آیه مربوط به وجوب زکات نیست زیرا زمان وجوب در آیه، یوم الحصاد بیان شده در حالی که وجوب زکات، عند بدوّ الصلاح است. علاوه بر آنکه «آتوا حقّه یوم حصاده» ظهور در وجوب اداء دارد و حمل آن بر بیان زمان تعلّق وجوب، خلاف ظاهر است. هر چند رمّانی این آیه را حمل بر بیان زمان تعلّق حقّ کرده و بیان کرده: زمان تعلّق حق یوم الحصاد است اما زمان اداء بعد است.

شیخ طوسی در ادامه می نویسد:

و أيضا روت فاطمة بنت قيس ان النبي صلى الله عليه و آله قال: «في‌ المال حق سوى الزكاة».

ممکن است استدلال به این روایت به این صورت باشد که هر چند حقّ در حقّ مستحب به کار می رود اما ظاهر حقّ وجوب است و تا زمانی که دلیل مخرج نداشته باشیم باید آن را حمل بر وجوب کنیم.

سپس می فرماید:

 و روى حريز عن زرارة و محمد بن مسلم و أبي بصير عن أبي جعفر عليه السلام في قول الله تعالى «وَ آتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصادِهِ» قالوا جميعا: قال أبو جعفر عليه السلام: هذا من الصدقة، يعطى المسكين القبضة بعد القبضة، و من الجذاذ الحفنة بعد الحفنة حتى يفرغ

نکته ای در جلسه قبل اشاره شد که لحن عبارت شیخ در تبیان این است که اتفاق نظر وجود دارد که امر در «آتوا حقّه یوم حصاده» امر وجوبی است و بحث این است که آیا این امر وجوبی مربوط به زکات است یا مربوط به حقی دیگر است؟

شاید منشأ ادعای اجماع شیخ طوسی در خلاف بر وجوب حق یوم الحصاد همین باشد که اتفاق نظر وجود دارد که «آتوا حقّه یوم حصاده» ناظر به حق واجب است و از طرف دیگر به جهت روایات مسلّم است که مراد از «آتوا حقّه یوم حصاده» زکات نیست. ایشان این دو مطلب را به هم ضمیمه کرده و اجماع بر وجوب حق یوم الحصاد را نتیجه گرفته است.

بعد از نقل عبارات فقها، حکم مسأله را بررسی می کنیم.

## بررسی استدلال به روایت زراره بر استحباب

یکی از استدلالات بر استحباب حقّ یوم الحصاد روایتی است که در جامع الاحادیث، ج 9، ص: 73، ح 3، باب اول از ابواب ما تجب فیه الزکاه، حدیث مسلسل 12438 وارد شده است:

وَ عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع عَنْ صَدَقَاتِ الْأَمْوَالِ فَقَالَ فِي تِسْعَةِ أَشْيَاءَ لَيْسَ فِي غَيْرِهَا شَيْ‌ءٌ فِي الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّبِيبِ وَ الْإِبِلِ وَ الْبَقَرِ وَ الْغَنَمِ السَّائِمَةِ وَ هِيَ الرَّاعِيَةُ وَ لَيْسَ فِي شَيْ‌ءٍ مِنَ الْحَيَوَانِ غَيْرِ هَذِهِ الثَّلَاثَةِ الْأَصْنَافِ شَيْ‌ءٌ وَ كُلُّ شَيْ‌ءٍ كَانَ مِنْ هَذِهِ الثَّلَاثَةِ الْأَصْنَافِ فَلَيْسَ فِيهِ شَيْ‌ءٌ حَتَّى يَحُولَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ مُنْذُ يَوْمِ يُنْتَجُ.[[8]](#footnote-8)

محمد بن زیاد در سند، ابن ابی عمیر معروف است.

از «لیس فی غیرها شیء» استفاده می شود که هیچ حق دیگری غیر از زکات در این اصناف وجود ندارد.

اما این استدلال صحیح نیست:

اولا: این روایت موثقه است و اعتبار آن مشروط به عدم تعارض با روایات صحیحه است و روایات دالّ بر وجوب حق یوم الحصاد، موجب سقوط این روایت از حجیت است.

ثانیا: معلوم نیست مراد از «لیس فی غیرها شیء» مطلق شیء باشد بلکه بیان می کند که زکات اختصاص به همین نه شیء دارد و این منافات ندارد که غیر این نه شیء، چیزی واجب باشد.

ثالثا: این روایت چون اشیاء خاص را موضوع قرار داده، ناظر به زکات است. زیرا حق یوم الحصاد، حق مطلقی است که در تمام اشیاء حتی در تمر و زبیب و شعیر مطرح است در حالی که زکات تنها در شعیر و تمر و زبیب وجود دارد و در غیر از آن نیست. در نتیجه، «لیس فی غیرها شیء» نمی تواند به معنای نفی حق یوم الحصاد باشد زیرا حق یوم الحصاد اختصاص به غیر شعیر و تمر و زبیب ندارد که با این تعبیر نفی شود. پس «لیس فی غیرها شیء» به این معناست که زکات در غیر این امور نیست نه آنکه هیچ حق دیگری در غیر این امور وجود ندارد.[[9]](#footnote-9)

رابعا: حتی اگر این روایت ظهور در نفی وجوب حق یوم الحصاد داشته باشد، ظهور روایات دیگر بر وجوب حق یوم الحصاد قوی تر است.

## بررسی استدلال به روایات عفو بر استحباب

از بیان بالا روشن می شود، روایاتی که در آنها بیان شده، پیامبر صلی الله علیه و آله از زکات در غیر اشیاء نه گانه عفو کردند، دلالتی بر نفی وجوب حق یوم الحصاد ندارد. مانند روایت زراره:

عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا ع قَالَ: الزَّكَاةُ فِي تِسْعَةِ أَشْيَاءَ عَلَى الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّبِيبِ وَ الْإِبِلِ وَ الْبَقَرِ وَ الْغَنَمِ وَ عَفَا رَسُولُ اللَّهِ ص عَمَّا سِوَى ذَلِكَ.[[10]](#footnote-10)

و روایت فضلا:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ أَبِي بَصِيرٍ وَ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ الْعِجْلِيِّ وَ فُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالا فَرَضَ اللَّهُ الزَّكَاةَ مَعَ الصَّلَاةِ فِي الْأَمْوَالِ وَ سَنَّهَا رَسُولُ اللَّهِ ص فِي تِسْعَةِ أَشْيَاءَ وَ عَفَا رَسُولُ اللَّهِ عَمَّا سِوَاهُنَّ فِي الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْإِبِلِ وَ الْبَقَرِ وَ الْغَنَمِ وَ الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّبِيبِ وَ عَفَا عَمَّا سِوَى ذَلِكَ.[[11]](#footnote-11)

 روشن نیست از این روایات استفاده شود که در غیر این نه چیز، هیچ حق واجب مالی و لو به عنوان عام وجود ندارد. بلکه می تواند به این معنا باشد که در غیر این نه چیز، زکاتی که روی عناوین خاصه می رود وجود ندارد. پس روایات عفو نیز دالّ بر عدم وجوب حقّ یوم الحصاد نیست.

## استدلال به روایت دالّ بر اداء حق یوم الحصاد به سه فقیر

تنها دلیلی که ممکن است برای نفی وجوب به آن استدلال شود این است: روایات متعددی درباره حقّ یوم الحصاد وارد شده است. بیشتر آنها به طور مطلق دستور به پرداخت حقّ یوم الحصاد داده اند. در یک روایت بیان کرده: پرداخت به سه نفر واجب است و زائد بر آن واجب نیست. مطرح نشدن وجوب پرداخت به سه نفر در روایات متعدّد کاشف از استحباب حق یوم الحصاد است و به خاطر همین مستحب بودن، اشاره به این تفصیل داده نشده است و تفصیل بین وجوب اصل حقّ یوم الحصاد و مستحب بودن پرداخت به سه نفر، مستبعد است.

حال باید دید مجرّد ورود یک روایت بر پرداخت به سه نفر، موجب رفع ید از دلالت روایات بر وجوب می شود؟

شبیه این مورد در کلام علما قرینه بر استحباب تلقّی شده است. نمونه آن بحث استظهار است که اگر خون زن حائض پس از ایام عادت ادامه پیدا کرد، در برخی از روایات بیان شده تا ده روز استظهار کند و برخی دیگر بیان شده یک تا دو روز استظهار کند و در برخی دیگر بیان شده یک روز استظهار کند. آقای خویی یک روز را واجب می دانند و زائد بر یک روز را مستحب می دانند. حاج آقای والد تفاوت تعبیر که در برخی روایات یک روز و برخی دو روز و برخی تا ده روز قرار داده شده را قرینه قرار دادند که اصل استظهار مستحب است و ظهور روایت استظهار، در وجوب از بین می رود.

ممکن است گفته شود: روایت پرداخت به سه فقیر قرینه بر رفع ید از وجوب سایر روایات است. چنانچه مرحوم یحیی بن سعید در الجامع للشرایع به این روایت تکیه کرده است.

بنده هنوز اطمینان به استحباب حقّ یوم الحصاد پیدا نکردم و مشکل است مجرّد روایت اعطاء به سه فقیر، قرینه بر حمل روایات دیگر بر استحباب باشد حتی قرینه ای وجود ندارد که اعطاء به سه فقیر نیز مستحب باشد.

آیا قرینه دیگری برای استحباب حق یوم الحصاد وجود دارد؟ باید در این باره بیشتر تتبّع کرد.

در مسالک الافهام فاضل جواد دیدم که ایشان حمل روایات بر استحباب را که در کلام علامه وجود دارد، نفی کرده و بیان می کند: امر ظهور در وجود دارد.[[12]](#footnote-12)

به نظر می رسد، عجالتا احتیاط در فتوا لازم است و فتوای به استحباب و نفی احتمال وجوب بسیار مشکل است. اگر قرینه ای بر استحباب پیدا شد، در آینده درباره آن بحث می کنیم.

1. [مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة، علامه حلی، ج3، ص256.](http://lib.eshia.ir/71559/3/256/) [↑](#footnote-ref-1)
2. المعتبر في شرح المختصر؛ ج‌2، ص: 486 [↑](#footnote-ref-2)
3. المعتبر في شرح المختصر؛ ج‌2، ص: 531 [↑](#footnote-ref-3)
4. [المقنعه، شیخ مفید، ج، ص262.](http://lib.eshia.ir/15114//262/) [↑](#footnote-ref-4)
5. [الکافی للحلبی، أبو الصلاح الحلبی، ج، ص166.](http://lib.eshia.ir/10033//166/) و من مسنون صدقة الحرث أن يزكى كل ما دخل المكيال من الحبوب إذا بلغ كل جنس منها خمسة أوسق بالعشر أو نصف العشر، فان نقص عن ذلك تصدق بما تيسر.و من ذلك الصدقة حين صرام النخل، و قطاف الكرم، و جذاذ الزرع بالضغث من الزرع و الضغثين، و العذق من الرطب و العذقين، و العنقود من العنب و العنقودين، فاذا صار الرطب تمرا و العنب زبيبا و الغلة حبا و أراد المالك دفع ذلك تصدق منه بالقبضة و القبضتين. [↑](#footnote-ref-5)
6. الانتصار فی انفردات الامامیه، ص: 206 [↑](#footnote-ref-6)
7. [الخلاف، شیخ طوسی، ج2، ص5.](http://lib.eshia.ir/10015/2/5/) [↑](#footnote-ref-7)
8. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج4، ص2.](http://lib.eshia.ir/10083/4/2/) [↑](#footnote-ref-8)
9. توضیحات از مقرّر است. [↑](#footnote-ref-9)
10. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج4، ص2.](http://lib.eshia.ir/10083/4/2/) [↑](#footnote-ref-10)
11. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص509.](http://lib.eshia.ir/11005/3/509/) [↑](#footnote-ref-11)
12. مسالك الأفهام إلى آيات الأحكام، ج‌2، ص: 70 [↑](#footnote-ref-12)